

بررسی تطبیقی مبانی فقهی سفاخت مالی و معاملات سفهی در مذاهب خمسہ اسلامی و تحلیل چالش‌های حقوقی آن در ایران

معصومه کاری¹ رضا عباسپور (نویسنده مسئول)² عذری انتخبیان³

¹ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران - M.kari48849@gmail.com

² استاد یار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Abbaspor@yahoo.com

³ استاد یار، گروه فقه مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Ozra.entekhabian@gmail.com

نویسنده مسئول: Abbaspor@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1404/04/18 تاریخ پذیرش: 1404/06/26

چکیده

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، به بررسی دو نهاد مهم فقهی و حقوقی یعنی «سفاخت مالی» و «معاملات سفهی» در مذاهب خمسہ اسلامی (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) و نظام حقوقی ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فقه امامیه، سفاخت به معنای نقصان پایدار در رشد مالی است و معاملات سفیه غیرنافذ تلقی می‌شوند، در حالی که در فقه مالکی و حنبلی، معاملات سفیه اساساً باطل محسوب می‌گردند. از سوی دیگر، مفهوم «معامله سفهی» به قراردادی اطلاق می‌شود که ذاتاً فاقد غرض عقلایی است و حتی اگر توسط فرد رشید منعقد شود، باطل خواهد بود. این تمایز بنیادین میان وصف شخص (سفیه) و وصف عمل (سفهی) در بسیاری از متون حقوقی ایران به‌روشنی بیان نشده و همین امر موجب صدور آرای متعارض در محاکم شده است. مقاله حاضر با تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های مذاهب، نقد قوانین ایران و ارائه راهکارهای تقنینی، قضایی و اجرایی، می‌کوشد چارچوبی علمی برای اصلاح و نوسازی این نهاد حقوقی فراهم آورد. نتایج نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران نیازمند بازتعریف معیارهای عینی سفاخت، تمهید سازوکارهای نظارتی نوین و ایجاد تعادل میان حمایت از مجبور و حفظ کرامت انسانی اوست.

کلیدواژه: سفاخت مالی، معامله سفهی، حجر، رشد مالی، فقه تطبیقی، قانون مدنی ایران.

1-مقدمه

نهاد حجر به‌ویژه در گونه‌شناسی سفاخت مالی، یکی از نهادهای مهم حقوقی است که در نقطه تلاقی آزادی اراده فردی و ضرورت حمایت اجتماعی قرار دارد. این نهاد در طول تاریخ فقه اسلامی، با چالش‌ها و تحولات مفهومی متعددی روبه‌رو بوده است. در نظام حقوقی ایران که برگرفته از فقه امامیه است، مواد قانون مدنی (به‌ویژه مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۱۴) چارچوبی کلی برای حمایت از سفیه ارائه کرده‌اند. با این حال، پیچیدگی روزافزون معاملات مالی، ظهور ابزارهای نوین اقتصادی، تحولات روان‌شناختی مرتبط با مدیریت مالی و همچنین تغییر سبک زندگی، ضرورت بازنگری عمیق در تعاریف، معیارها و سازوکارهای اجرایی این نهاد را بیش از پیش آشکار ساخته است.

از سوی دیگر، مفهوم «معامله سفهی» به‌عنوان یک عمل حقوقی فاقد غرض عقلایی، در فقه امامیه و مذاهب اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد. تمایز میان سفیه بودن شخص (که ناشی از نقص در اهلیت است) و سفهی بودن معامله (که ناشی از خلل در ماهیت عقد است) در عمل آثار حقوقی متفاوتی دارد و می‌تواند مسیر رسیدگی قضایی، تکالیف طرفین و حتی رویکرد نظام حمایتی را تغییر دهد. با این حال، این تفکیک در متون قانونی و رویه قضایی ایران به‌روشنی تبیین نشده و همین امر منجر به خلط مفاهیم، تفسیرهای ناهمگون و صدور آرای متعارض در محاکم گردیده است.

این پژوهش در پی آن است تا با رویکردی تطبیقی و میان‌رشته‌ای، ابتدا مبانی فقهی دو مفهوم «سفیه» و «معامله سفیهی» را در پنج مکتب فقهی اصلی اسلام (امامیه، حنفیه، مالکیه، شافعیه، حنابلّه) واکاوی کند. سپس با تحلیل نقادانه قوانین فعلی ایران، چالش‌ها و کاستی‌های نظام حقوقی موجود را شناسایی نماید. در نهایت، با الهام از ظرفیت‌های فقه تطبیقی و تجربه‌های نوین حقوقی، راهکارهای تقنینی، قضایی و اجرایی برای اصلاح و نوسازی این نهاد ارائه دهد. هدف نهایی، طراحی چارچوبی متوازن است که از یک سو از افراد آسیب‌پذیر در برابر خود و دیگران حمایت کند و از سوی دیگر، کرامت انسانی، حق مالکیت و آزادی قراردادی آنان را به‌گونه‌ای معقول محترم شمارد.

2. مبانی نظری و مفهومی

2.1. ریشه‌شناسی واژگانی و تحول معنایی

واژه «سُفَه» از ریشه «س ف ه» در زبان عربی، در اصل بر معنای «سبکی»، «خفت» و «حرکت همراه با بی‌ثباتی» دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۸۵). این معنای محوری در تمامی مشتقات این ریشه جریان یافته است. در کتب لغت کلاسیک، سفیه به کسی اطلاق می‌شود که «خَفَّ حِلْمُهُ» یا «انْقَضَ حِلْمُهُ»؛ یعنی بردباری و خردش سبک و ناچیز شده است (الفیروزآبادی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۳۴۵). راغب اصفهانی در مفردات، سفیه را به «نادان»، «ضعیف» و «احمق» معنی کرده و تأکید می‌کند که اصل واژه بر سبکی و خفت دلالت دارد (الراغب الأصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۳). این بررسی لغوی نشان می‌دهد که سفاهت در تقابل با مفاهیمی چون «حلم»، «وقار» و «رشد» قرار دارد که بر ثبات، وزن‌داری و تعادل دلالت می‌کنند.

2.2. مفهوم‌شناسی قرآنی

واژه‌های «سفیه» و «سفیهه» در مجموع ده بار در هشت آیه از قرآن کریم به کار رفته‌اند. این کاربردها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

دسته اول: سفاهت در عقیده و رویگردانی از حق

• آیه ۱۳۰ سوره بقره: «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ». در این آیه، ترک ملت ابراهیم که مبتنی بر فطرت و برهان است، به سفاهت نفس نسبت داده شده است (الطباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۳۵).

• آیه ۱۳ سوره بقره: که در آن منافقان، مؤمنان را به سفاهت متهم می‌کنند. این نشان می‌دهد گاه «سفاهت» به عنوان صفتی نسبی و از منظر شخص جاهل به افراد عاقل اطلاق می‌شود.

دسته دوم: سفاهت در عمل و تصرفات مالی

• آیات کلیدی پنجم و ششم سوره نساء: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» و «وَابْتُلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ». این آیات اساس فقهی نهاد حجر سفیه را بنیان نهاده و پیوند ناگسستنی بین «بلوغ» (شرط لازم) و «رشد» (شرط کافی) برای اختیار تصرف در اموال را نشان می‌دهند. مفسران فریقین بر این نکته اتفاق نظر دارند که آیه، نفی صلاحیت سفیه برای اداره مستقل اموال را در پی دارد.

2.3. تفکیک مفهومی بنیادین: «سفیه» در مقابل «معامله سفیهی»

درک دقیق مباحث این پژوهش مستلزم تفکیک روشن میان دو مفهوم است:

• سفیه (وصف شخص): به فرد عاقل و بالغی اطلاق می‌شود که فاقد «ملکه رشد مالی» است. یعنی قوه تشخیص مصالح مالی خویش را به صورت پایدار از دست داده یا نیافته است. منشأ حکم در اینجا نقص در اهلیت فاعل است.

• معامله سفیهی (وصف عمل): به عملی حقوقی (عقد یا ایقاع) گفته می‌شود که ذاتاً و به لحاظ اوضاع و احوال، فاقد «غرض عقلایی متعارف» است. این وصف حتی اگر عمل از سوی فرد کاملاً رشید صادر شود، باقی می‌ماند. منشأ حکم در اینجا خلل در ماهیت یا شرایط خود عقد (مانند غرر فاحش یا فقدان جهت مشروع) است.

این تفکیک دارای آثار حقوقی متفاوتی است: معاملات سفیه عموماً غیرنافذ (نیازمند اجازه ولی/قیم) هستند، در حالی که معاملات سفیهی ذاتاً باطل یا قابل فسخ محسوب می‌شوند. عدم درک این تمایز، منجر به خلط در استدلال‌های قضایی و تقنینی می‌گردد.

3. بررسی تطبیقی مفهوم و معیارهای «سفیه» در مذاهب خمس

3.1. مذهب امامیه (جعفری)

در فقه امامیه، سفیه به فرد بالغ و عاقلی تعریف می‌شود که به دلیل فقدان ملکه رشد مالی، اموال خود را در غیر مورد صحیح مصرف می‌کند (المحقق الحلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۳). تأکید بر مفهوم «ملکه» — به عنوان یک حالت نفسانی پایدار و راسخ — از ویژگی‌های مهم این تعریف است. ملکه رشد مالی فضیلتی اکتسابی است که فرد را به تشخیص ارزش اقتصادی امور، حفظ دارایی از اتلاف، تصرف بهینه و افزایش آن بر اساس محاسبات عقلایی توانا می‌سازد. فقدان این ملکه، نه یک اشتباه موردی، بلکه یک نقص ساختاری در دستگاه تصمیم‌گیری مالی فرد محسوب می‌شود.

معیارهای تشخیص: فقهای امامیه برای احراز فقدان این ملکه، به الگوی رفتاری مستمر فرد توجه می‌کنند. این الگو در قالب‌هایی مانند «الإسراف والتبذیر» (تجاوز از حد متعارف)، «الغبن الفاحش المتكرر» (فریب خوردن مکرر در معاملات) و «العجز عن حفظ المال» (ناتوانی در نگهداری مال) ظهور می‌یابد. تشخیص نهایی نیز به عرف عقلا واگذار شده است؛ یعنی داوری جمعی افراد متعارف جامعه درباره عقلایی یا غیرعقلایی بودن تصرفات فرد.

حکم وضعی معاملات: بر اساس نظر مشهور در امامیه، معاملات مالی سفیه غیرنافذ است. به این معنا که عقد از نظر شرایط عمومی صحیح است، اما نفوذ آن موقوف به اجازه بعدی ولی (پدر، جد پدری) یا قیم منصوب از سوی حاکم شرع می‌باشد. این دیدگاه مبتنی بر تفکیک میان اهلیت تمتع (که سفیه دارد) و اهلیت استیفا (که در او ناقص است) است. البته تصرفات محض‌النفع سفیه (مانند قبول هبه) به نظر بسیاری از فقها نافذ است.

3.2. مذهب حنفی

حنفیه با رویکردی عینی‌گرا و نتیجه‌محور، بیشتر بر آثار ملموس اقتصادی رفتار فرد تأکید دارند. الکاسانی در بدائع الصنائع سفیه را کسی می‌داند که «یپذیر المال حتی یدخل فی العسرة»؛ یعنی مال خود را چنان تباه کند که به فقر و تنگدستی گرفتار آید (الکاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۶۷۲). در این نگاه، معیار سفاهت ورود به عسرت ناشی از اسراف و تبذیر است.

ویژگی مهم: حنفیه قاعده جالبی را مطرح می‌کنند: «تکرار عمل سفیهی می‌تواند منجر به ثبوت وصف سفاهت برای شخص شود». به عبارت دیگر، اگر شخص رشیدی به گونه‌ای مستمر مرتکب اعمال مالی غیرعقلایی گردد که الگویی از بی‌تدبیری را نشان دهد، حاکم می‌تواند به درخواست ورثه یا بستگان، او را حجر کند (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶۱). این دیدگاه، پل ارتباطی روشنی بین دو مفهوم «سفیه» (شخص) و «سفیهی» (عمل) ایجاد می‌کند. حکم وضعی: در فقه حنفی نیز معاملات سفیه پس از اثبات حجر، غیرنافذ محسوب می‌شود.

3.3. مذهب مالکی

مالکیه نگاهی کل‌نگر و احتیاط‌آمیز به مسئله حجر دارند. آنان سفیه را کسی می‌دانند که در تصرفات خود «فساد» دارد، اعم از اینکه این فساد در مال باشد یا در سایر شئون (الدسوقي، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۵). دامنه حجر در این مذهب گسترده‌تر است.

ویژگی بارز: در دیدگاه مالکی، زن نیز مشمول حجر فرض می‌شود مگر آنکه رشد مالی او ثابت گردد. این دیدگاه که ریشه در شرایط اجتماعی خاص حجاز در صدر اسلام دارد، امروزه در بسیاری از کشورهای مالکی‌مذهب تعدیل شده است.

حکم وضعی: مالکی‌ها قائل به بطلان معاملات سفیه هستند. این سخت‌گیری ناشی از نگاه حمایتی شدید و در نظر گرفتن مصلحت عمومی و خانوادگی است. حتی تبرع محض زیان‌بار (مانند بخشش تمام دارایی) از سوی یک فرد رشید نیز می‌تواند توسط حاکم فسخ یا منع شود.

3.4. مذهب شافعی

شافعیان بر فقدان معرفت به مصالح مال به عنوان جوهره سفاهت تأکید می‌کنند. النووی در المجموع می‌نویسد: «السفيه هو من لا يعرف مصالح المال و يتصرف بغير منفعة مشروعه» (النووی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۴۵). در این تعریف، هم جنبه شناختی (عدم معرفت) و هم جنبه غایی (فقدان منفعت مشروع) مورد توجه قرار گرفته است.

معیار تشخیص: تمرکز بر فقدان منفعت عقلایی مشروع در تصرفات است. این منفعت می‌تواند مادی یا معنوی باشد، اما باید در چارچوب شرع و عرف پذیرفته شده باشد.

حکم وضعی: نظر مشهور در مذهب شافعی نیز بطلان معاملات سفیه است.

3.5. مذهب حنبلی

ابن قدامه در المغنی سفیه را کسی می‌داند که «یصرف المال بغیر فکر و تدبیر و یخرج عن سیره العقلاء» (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۷۸). تأکید بر خروج از «سیره عقلاء» نشان‌دهنده محوریت عرف در تشخیص است.

نظریه نوآورانه «منع موردی»: مهم‌ترین و واضح‌ترین بیان در خصوص تفکیک «سفیه» و «سفهی» از سوی اندیشمندانی مانند ابن تیمیه و ابن قیم جوزی در چارچوب فقه حنبلی ارائه شده است. آنان نظریه «حجر موقت» یا «منع موردی» را مطرح می‌کنند. بر این اساس، اگر شخص رشیدی قصد انجام عمل سفهی مشخصی را داشته باشد (مانند بخشش کل دارایی)، حاکم می‌تواند وی را فقط از انجام همان عمل منفرد منع کند، بی‌آنکه نیاز باشد او را به صورت کلی «محجور» اعلام نماید (ابن قیم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۲). این نظریه، تجلی عملی ممتاز تفکیک بین وصف شخص و وصف عمل است.

حکم وضعی: معاملات سفیه پس از حجر، باطل شمرده می‌شود.

4. تحلیل تطبیقی «معامله سفهی» در مذاهب خمس

4.1. تعریف و ماهیت

معامله سفهی عملی حقوقی (عقد یا ایقاع) است که ذات ماهیت، موضوع یا شرایط تشکیل آن، بر مبنای داوری عقلای متعارف جامعه، فاقد هرگونه غرض، منفعت یا مصلحت عقلایی و مشروع تشخیص داده می‌شود. صحت یا بطلان این عمل، تابع قصد و رضای طرفین نیست، بلکه ناشی از عیب ذاتی در خود عمل است.

4.2. مبانی فقهی بطلان

مذاهب مختلف، بطلان معامله سفهی را بر مبنای مختلفی استوار کرده‌اند که عمدتاً در چهارچوب شرایط عامه صحت عقد می‌گنجد:

1. فقدان جهت مشروع (غرض عقلایی): بسیاری از فقها، فقدان غرض عقلایی را به معنای فقدان «جهت مشروع» برای عقد می‌دانند. از آنجا که مشروعیت جهت شرط صحت عقود است (به ویژه در عقود تبرعی)، فقدان آن موجب بطلان می‌شود.

2. غرر فاحش: معامله سفهی غالباً مصداق بارز «غرر فاحش» (خطر و جهل زیان‌بار) است. قاعده نفی غرر، پشتوانه فقهی محکمی برای ابطال چنین معاملاتی است.

3. لهُو و لَعُو (اتلاف مال و وقت): انجام عمل بی‌فایده و زیان‌بار محض، مصداق «لَهُو» و «لَعُو» شمرده شده که در شریعت مذموم است.

4. اکل مال بالباطل: در معامله سفهی، یک طرف به طور قطع متضرر و طرف دیگر بدون دلیل مشروع، مالک می‌گردد که مصداق آیه شریفه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِالْبَاطِلِ» است.

4.3. مصادیق کلاسیک و نوین

• مصادیق کلاسیک: فروش «یک درهم» به بهای «دو درهم» بدون غرض تبدیل، بیع معدوم، اجاره چیزی که عرفاً فایده‌ای ندارد، بیع غرری (مانند فروش ماهی در دریا).

• مصادیق نوین در حقوق معاصر: قراردادهای پیچیده مشتقات مالی با ریسک غیرمتناسب و غیرقابل درک برای یک متعارف، خریدهای هیجانی و بسیار فراتر از توان مالی، سرمایه‌گذاری در طرح‌های هرمی یا غیرواقعی، معامله اموال در حالت مرض موت به شکلی که حقوق ورثه را به شدت تضییع کند.

4.4. دیدگاه تطبیقی مذاهب

• امامیه و شافعیه: مفهوم معامله سفهی عمدتاً در ذیل مباحث غرر و جهت مشروع در شرایط عامه عقود تحلیل و بطلان آن اثبات می‌شود.

• حنفیه: بر غیرعقلایی بودن ذاتی عمل در پرتو عرف تأکید کرده و آن را مستقل از حجر شخص می‌دانند.

• مالکیه: با توسعه مفهوم، به صراحت «تبرع محض زیان‌بار» از سوی فرد رشید را قابل منع یا فسخ می‌دانند.

• حنابلّه (ابن تیمیه و ابن قیم): با نظریه «منع موردی»، واضح‌ترین و کاربردی‌ترین سازوکار برای مداخله در یک عمل سفهی خاص، بدون اعلام حجر کلی، را ارائه داده‌اند.

5. وضعیت حقوقی ایران: چالش‌ها و کاستی‌ها

قانون مدنی ایران با الهام از فقه امامیه، در مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۱۴ به مسئله حجر پرداخته است. ماده ۱۲۰۸ سفیه را تعریف کرده و مواد بعدی به احکام آن اشاره دارند. با این حال، نظام حقوقی ایران در مواجهه با پیچیدگی‌های معاصر، با چالش‌های متعددی روبه‌روست:

5.1. چالش‌های مفهومی و تقنینی

1. ابهام در معیارهای تشخیص سفاهت: ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی صرفاً به «تصرفات مالی زیان‌بار» اشاره کرده است. این تعریف کلی، فاقد معیارهای عینی، کمی و چندبعدی (مانند تکرارپذیری، نسبت به درآمد، تأثیر بر معیشت، قابلیت فریب‌خوردگی) است و قاضی را در تشخیص با مشکل مواجه می‌سازد.

2. عدم تفکیک روشن میان «سفیه» و «معامله سفهی»: قانون به تمایز ماهوی بین بطلان ناشی از نقص اهلیت (معامله سفیه) و بطلان ناشی از عیب ذاتی عقد (معامله سفهی) نپرداخته است. این خلط، مبنای استدلال در دعاوی مربوط به قراردادهای غیرمنطقی را مخدوش می‌کند.

3. یک‌سو نگری به سفاهت: قانون، سفاهت را صرفاً یک وصف شخصی ثابت در نظر می‌گیرد و به سفاهت موقعیتی (ناشی از بحران‌های روانی، فشارهای اجتماعی، کهولت سن پیشرفته، اعتیاد) توجه نکرده است.

4. سکوت در مورد نظریه «منع موردی»: قانون‌گذار از نظریه ابتکاری حنبلی در مورد منع فرد رشید از یک عمل سفهی خاص غافل مانده است. این در حالی است که این نظریه می‌تواند راه‌حلی انعطاف‌پذیر و کم‌هزینه برای جلوگیری از فجایع مالی موردی باشد.

5.2. چالش‌های قضایی و اجرایی

1. طولانی و پرهزینه بودن فرآیند حجر: فرآیند اثبات سفاهت، صدور حکم حجر و نصب قیم در دادگاه‌های ایران غالباً طولانی (گاهی بیش از یک سال) و مستلزم هزینه‌های دآوری و کارشناسی است که خود می‌تواند به اتلاف بیشتر اموال بینجامد.

2. ضعف در نظارت بر عملکرد قیم: نظارت دادگاه‌ها بر عملکرد قیم‌ها غالباً منفعلانه، ادواری (سالانه) و صوری است. سازوکار کارآمدی برای نظارت مستمر، شفاف و مبتنی بر شاخص‌های عملکرد بر قیم‌ها وجود ندارد.

3. عدم استفاده از ظرفیت کارشناسی چندرشته‌ای: تشخیص سفاهت امری صرفاً حقوقی نیست و نیازمند تلفیق دیدگاه‌های روان‌شناسی مالی، روان‌پزشکی، اقتصاد و مددکاری اجتماعی است. سیستم قضایی فاقد دستورالعمل الزام‌آور برای بهره‌گیری از چنین کارشناسی‌های تخصصی است.

4. تعارض با حقوق بنیادین: محدودیت‌های شدید ناشی از حجر، گاه با حق مالکیت، حق حریم خصوصی، حق تصمیم‌گیری و کرامت انسانی فرد در تعارض قرار می‌گیرد. قانون‌گذار چگونگی ایجاد توازن میان این ارزش‌ها را تبیین نکرده است.

6. راهکارهای اصلاحی پیشنهادی

برای نوسازی نهاد حمایت از سفیه و مدیریت معاملات سفهی در نظام حقوقی ایران، راهکارهایی در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی پیشنهاد می‌شود:

6.1. راهکارهای تقنینی (بازنگری در قانون)

1. بازتعریف عینی سفیه در قانون: پیشنهاد می‌شود ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی با تعریف دقیق‌تری جایگزین گردد. تعریف می‌تواند چنین باشد: «سفیه شخص عاقل و بالغی است که به دلیل فقدان ملکه رشد مالی، به صورت مستمر و غالب، اموال خود را بر خلاف مصلحت عقلایی خویش به گونه‌ای تصرف می‌نماید که منجر به تضییع قابل توجه دارایی یا قرار گرفتن در معرض خطر جدی فقر می‌شود. تشخیص استمرار و زیان‌بار بودن تصرفات بر عهده دادگاه با کسب نظر کارشناسان مربوطه است.»

2. تفکیک قانونی میان حجر و بطلان معامله سفهی: افزودن ماده‌ای مستقل تحت عنوان «بطلان معامله سفهی» ضروری است. این ماده می‌تواند مقرر دارد: «معامله‌ای که ذاتاً و با توجه به عرف عقلاً فاقد هرگونه غرض یا منفعت عقلایی مشروع برای طرف متعهد باشد، حتی اگر از سوی شخص رشید صادر شده باشد، باطل است. دادگاه می‌تواند به درخواست ذی‌نفع، چنین معامله‌ای را باطل اعلام نماید.»

3. شناسایی «حجر موقت» یا «منع موردی»: گنجاندن مقرره‌ای که به دادگاه اجازه دهد در موارد خاص (مانند بخشش کلیه دارایی، سرمایه‌گذاری در طرح‌های آشکارا غیرواقعی) به درخواست بستگان یا مددکار اجتماعی، به صورت فوری و موقت، فرد رشید را از انجام آن عمل خاص منع کند، بدون آنکه حکم حجر دائم صادر نماید.

4. تعیین شاخص‌های عینی تشخیص: قانون می‌تواند فهرستی از شاخص‌های (rebuttable presumption) قانونی قابل رد) ارائه دهد، مانند: انجام معاملات با غبن فاحش بالای ۴۰٪ به طور مکرر، هزینه‌های جاری مستمر معادل دو برابر درآمد قابل اثبات، تشخیص روان‌پزشکی اختلالات کنترل تکانه یا تصمیم‌گیری مالی.

6.2. راهکارهای قضایی و ساختاری

1. تشکیل «کمیسیون‌های تخصصی حجر» در دادگاه‌ها: این کمیسیون‌ها متشکل از یک قاضی، یک کارشناس رسمی دادگستری در امور مالی، یک روان‌شناس یا روان‌پزشک و یک مددکار اجتماعی خواهند بود. پرونده‌های حجر برای بررسی اولیه و ارائه نظر مشورتی به این کمیسیون ارجاع می‌شود.

2. الزام به ارائه «طرح مدیریت دارایی» توسط قیم: قیم منصوب موظف باشد ظرف مدت معینی، «طرح مدیریت دارایی محجور» را شامل برنامه بودجه‌بندی، سرمایه‌گذاری‌های مجاز، و شیوه تأمین هزینه‌های جاری و آتی، به دادگاه ارائه و به تصویب برساند.

3. تسریع در فرآیند استفاده از دادرسی الکترونیک: امکان درخواست الکترونیک حجر، تشکیل جلسات غیرحضور در موارد ممکن و گزارش‌دهی الکترونیک قیم‌ها می‌تواند زمان و هزینه فرآیند را به شدت کاهش دهد.

6.3. راهکارهای اجرایی و فناورانه

1. راه‌اندازی «سامانه هوشمند نظارت بر محجورین و قیم‌ها»: این سامانه با یکپارچه‌سازی اطلاعات بانکی، ثبتی و قضایی، امکان نظارت مستمر و رصد سیگنال‌های خطر (مانند برداشت‌های بزرگ غیرمتعارف، افت شدید حساب) را فراهم می‌آورد. در صورت شناسایی رفتار پرخطر، به صورت خودکار به قاضی و مددکار اجتماعی اطلاع‌رسانی می‌کند.

2. توسعه «وکالت مالی محدود» (Limited Financial Power of Attorney): به جای حجر کلی، در موارد سفاکت خفیف یا موقعیتی، تشویق به استفاده از «وکالت مالی محدود» که در آن فرد به شخص مورد اعتماد خود (غالباً از بستگان) وکالت می‌دهد تا در یک حوزه خاص (مثلاً معاملات ملکی یا سرمایه‌گذاری‌های کلان) به نمایندگی از او اقدام کند، در حالی که اختیارات روزمره فرد محفوظ می‌ماند.

3. آموزش و توانمندسازی: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای قضا، وکلاء و مشاوران حقوقی در زمینه مبانی روان‌شناختی و اقتصادی سفاقت، و نیز برنامه‌های آموزشی ساده مالی برای افراد در معرض خطر، در سطح جامعه.

7. واکاوی مبانی اختلاف در احکام سفیه و معامله سفیهی

اختلافات مشاهده‌شده در احکام و معیارهای مربوط به سفیه و معامله سفیهی در مذاهب خمس، ریشه در تفاوت‌های بنیادین در مبانی استنباط، منابع فقهی و نگرش فلسفی هر مکتب دارد.

7.1. مبانی اختلاف در تعریف و معیارهای «سفیه»

7.1.1. نقش «عرف» در استنباط

• امامیه: با وجود اهمیت عرف، تأکید اصلی بر ملکه نفسانی است. عرف برای تشخیص مصادیق فقدان این ملکه به کار می‌رود. این نگاه درون‌گرایانه ریشه در فلسفه اخلاق اسلامی و مفهوم «ملکه» در حکمت عملی دارد.

• حنفیه: عرف محور اصلی است. معیار «ورود به عسرت» یک شاخص عینی و اقتصادی است که مستقیماً از داوری عرف جامعه درباره «اسراف» نشأت می‌گیرد. این رویکرد نتیجه‌گرا و عمل‌محور است.

• مالکیه: عرف در چارچوب مصلحت عمومی تفسیر می‌شود. رفتار غیرعقلایی نه فقط زیان فردی، که تهدیدی برای نظام خانواده و جامعه تلقی می‌شود. از این رو دامنه حجر گسترده‌تر است.

• شافعیه و حنابله: عرف در خدمت تشخیص فقدان منفعت مشروع است. نگاه غایت‌گرایانه به عرف، به دنبال کشف «غرض عقلایی» در رفتارهاست.

7.1.2. تفسیر نصوص قرآنی و روایی

• آیه 5 و 6 سوره نساء: همه مذاهب این آیات را اصل حجر می‌دانند، اما در دامنه شمول اختلاف دارند.

• امامیه: «سفهاء» را افراد بالغ فاقد رشد مالی می‌دانند. «رشد» در آیه 6 را «رشد مالی» تفسیر می‌کنند.

• مالکیه: با استناد به عموم آیه، شمول آن را بر زنان نیز گسترش داده‌اند، مگر خلافت ثابت شود.

• حنفیه: بر مفهوم «ابتلاء» (آزمایش) در آیه 6 تأکید کرده و از آن ضرورت بررسی عینی و موردی را استنباط می‌کنند.

• روایات: اختلاف در اعتبار سند، دلالت و جمع‌بندی روایات موجب تفاوت در احکام فرعی شده است. برای مثال، روایات مربوط به نفوذ معاملات محض النفع سفیه در منابع امامیه، منشأ دیدگاه «عدم نفوذ» به جای «بطلان» شده است.

7.2. مبانی اختلاف در حکم معاملات سفیه (بطلان در مقابل عدم نفوذ)

این اختلاف اساسی، ریشه در دو دیدگاه کلی درباره ماهیت اهلیت و نظام ولایت دارد:

7.2.1. نظریه «اهلیت دوگانه» در امامیه

• اهلیت تمتع (اهلیت دارا شدن حق): این اهلیت ذاتی انسان است و از سفیه سلب نمی‌شود. او می‌تواند مالک شود، ارث ببرد و هبه بپذیرد.

• اهلیت استیفا (اهلیت اجرا و اعمال حق): این اهلیت متوقف بر رشد است و سفیه فاقد آن است. بنابراین، تصرفات مالی مستقل او فاقد اثر حقوقی لازم (غیرنافذ) است تا زمانی که ولی آن را اجازه دهد.

• مبنای فلسفی: این تفکیک مبتنی بر نگاه ذاتی به اهلیت است. اهلیت، مراتبی دارد و سفیه در مرتبه بالای آن (اجرا) نقص دارد، نه در اصل آن.

7.2.2. نظریه «اهلیت واحد» در مذاهب اهل سنت (به ویژه مالکیه و حنابله)

• در این دیدگاه، اهلیت یک وحدت سیال است. سفاهت موجب می‌شود که شخص فاقد اهلیت لازم برای معامله تشخیص داده شود. از آنجا که یکی از ارکان صحت عقد (اهلیت طرفین) مفقود است، عقد باطل است.

• مبنای فلسفی: این نگاه بیشتر عمل‌گرا است و بر نتیجه عملی (صحیح یا باطل بودن معامله) تأکید دارد، نه بر تحلیل دقیق مراتب اهلیت.

7.2.3. نقش نظام ولایی

• امامیه: ساختار ولایی قوی (ولایت پدر و جد پدری) این امکان را می‌دهد که معامله غیرنافذ باقی بماند و بعداً توسط ولی اجازه داده شود. ولی می‌تواند مصلحت را سنجیده و معامله مفید را تنفیذ کند.

• مالکیه و حنابله: با وجود نهاد قیمومت، اما دیدگاه سخت‌گیرانه‌تر نسبت به خود عمل معامله دارند. آنان معتقدند معامله سفیه ذاتاً مفسده‌انگیز است و نباید حتی به صورت موقت وجود داشته باشد.

8. تحولات نوین در حوزه شناخت مالی و تأثیر آن بر مفهوم سفاهت

8.1. روان‌شناسی مالی و کشف سوگیری‌های شناختی

پیشرفت‌های نوین در حوزه روان‌شناسی مالی (Behavioral Finance) نشان داده است که بسیاری از تصمیمات غیرعقلایی مالی ریشه در سوگیری‌های شناختی (Cognitive Biases) سیستماتیک دارد، نه لزوماً فقدان دائمی یک ملکه نفسانی. این سوگیری‌ها شامل موارد زیر است:

• سوگیری حال‌نگر (Present Bias): تمایل به ارزش‌گذاری بیش‌ازحد بر منافع کوتاه‌مدت نسبت به بلندمدت.

• اثر تمکین (Endowment Effect): ارزش‌گذاری بیشتر بر اموال در ملکیت خود نسبت به اموال مشابه خارج از ملکیت.

• اجتناب از زیان (Loss Aversion): درد از دست دادن یک مبلغ، روان‌شناختی بیش از لذت به دست آوردن همان مبلغ است.

• سوگیری اطمینان بیش از حد (Overconfidence Bias): باور فرد به داشتن دانش یا مهارتی بیش از حد واقعی.

این یافته‌ها پرسش‌های جدیدی را پیش روی فقه و حقوق می‌گذارد: آیا سفاقت موقعیتی ناشی از فعال شدن این سوگیری‌ها در شرایط خاص (مانند بحران‌های اقتصادی، فشارهای اجتماعی، تبلیغات گسترده) نیز مشمول احکام سنتی سفاقت می‌شود؟ آیا نظام حقوقی باید به جای برجسب «سفیه»، به شناسایی و جبران این سوگیری‌ها در طراحی قراردادهای و محیط قانونی بپردازد؟

8.2. پیچیدگی بازارهای مالی و معاملات نوین

ظهور ابزارهای مالی پیچیده مانند مشتقات، صکوک ساختاریافته، قراردادهای آتی و سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال، چالش بزرگی برای مفهوم سنتی «تصرف غیرعقلایی» ایجاد کرده است. بسیاری از این معاملات برای غیرمتخصصان ذاتاً پیچیده و پرریسک به نظر می‌رسند. سؤال اینجاست:

• آیا سرمایه‌گذاری یک فرد عادی در این بازارها بدون دانش تخصصی کافی، خودبه‌خود مصداق سفهی بودن یا نشانه سفاقت است؟

• مرز میان ریسک‌پذیری مشروع اقتصادی و سفاقت مالی در این فضا چگونه تعریف می‌شود؟

8.3. تأثیر فناوری و رسانه‌ها

شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های تجارت الکترونیک با استفاده از الگوریتم‌ها و تکنیک‌های مهندسی روان‌شناختی، می‌توانند محرک‌های قدرتمندی برای خریدهای هیجانی و غیرضروری ایجاد کنند. «خرید دکمه‌ای» (One-Click Purchase) تصمیم‌گیری عقلایی را دور می‌زند. این پدیده‌ها «عرف عقلا» را تحت تأثیر قرار داده و تشخیص رفتار «غیرعقلایی متعارف» را دشوارتر می‌سازد.

9. چالش‌های خاص نظام حقوقی ایران در عصر حاضر

9.1. تعارض با اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای

ماده ۱۰ قانون مدنی ایران اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای را به رسمیت شناخته است. اعمال نهاد حجر، به ویژه با رویکردهای گسترده‌ای مانند دیدگاه مالکی، می‌تواند با این اصل در تعارض باشد. ایجاد توازن میان این دو ارزش (حمایت از آسیب‌پذیر در برابر آزادی فردی) نیازمند معیارهای دقیق و سازوکارهای متناسب است که در قانون فعلی به وضوح دیده نمی‌شود.

9.2. حقوق شهروندی و کرامت انسانی محجور

برجسب «سفیه» و اعلام عمومی حجر، می‌تواند موجب انزوای اجتماعی، تحقیر و آسیب روانی شدید به فرد شود. همچنین، سلب حق رأی (طبق ماده ۲۸ قانون انتخابات) و محدودیت‌های شدید در اعمال حقوق مدنی، با حق بر کرامت انسانی و مشارکت اجتماعی که در قوانین اساسی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، در تعارض است. نظام حقوقی نیازمند بازاندیشی در شیوه‌های اجرایی محترمانه‌تر و کم‌مداخله‌گرانه‌تر است.

9.3. مسئله سالمندان و زوال عقل

با افزایش جمعیت سالمند در ایران، پدیده زوال عقل (دمانس) و بیماری‌های شناختی مرتبط با سن به یک چالش بزرگ تبدیل شده است. این شرایط اغلب تدریجی و نوسان‌دار است. قانون مدنی کنونی ایران تمایز روشنی میان سفاقت مالی یک فرد بالغ عاقل و فقدان تدریجی ظرفیت ناشی از کهولت سن قائل نیست. نیاز به نهادهای میانی مانند وصایت، قیمومت محدود یا نمایندگی معتبر (مانند وکالت بلندمدت) که پیش‌بینی کرده و توسط خود فرد در زمان سلامت طراحی شده باشد، بیش از پیش احساس می‌شود.

9.4. ضعف سیستم نظارتی بر قیم‌ها

تجربه عملی نشان می‌دهد یکی از بزرگ‌ترین معضلات پس از صدور حکم حجر، سوءاستفاده احتمالی قیم‌ها از اموال محجور است. نظارت سالانه صوری دادگاه‌ها کارآمد نیست. ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی مستقل (مانند «دفتر محجورین» در قوه قضائیه) مجهز به حسابرسان و کارشناسان، و استفاده از سامانه‌های شفافیت مالی که گردش وجوه محجور را رصد می‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد.

10. جمع‌بندی نهایی و چشم‌انداز آینده

بررسی تطبیقی مذاهب خمس نشان داد که فقه اسلامی با غنای درونی خود، نه تنها پاسخ‌های تاریخی به مسئله سفاقت داده، بلکه با مفهوم‌پردازی مستقل «معامله سفهی»، ظرفیت نظری بالایی برای تطبیق با شرایط جدید دارد. نظریه منع موردی حنبلی و تأکید حنفی بر نتایج عینی، می‌توانند الهام‌بخش طراحی سازوکارهای مدرن، مختصر و مؤثر باشند.

نظام حقوقی ایران در آستانه یک گذار ضروری قرار دارد. گذار از نگاهی صرفاً حمایتی-پدرمآبانه و ثابت به سفاقت، به سوی نگاهی پیچیده، پویا و حق‌محور. این نگاه جدید باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

1. چندبعدی بودن: تشخیص سفاقت باید ترکیبی از ارزیابی حقوقی، روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی باشد.
2. مقیاس‌پذیر و متناسب: مداخله حقوقی باید متناسب با میزان و نوع نقص در تصمیم‌گیری باشد. طیفی از راهکارها از «آموزش مالی» و «وکالت محدود» گرفته تا «نظارت سبک» و تنها در نهایت «حجر کامل» باید پیش‌بینی شود.
3. محترمانه و توانمندساز: هدف نهایی باید حفظ کرامت فرد و در صورت امکان، بازگرداندن توانایی تصمیم‌گیری مستقل او باشد، نه سلب دائمی اختیارات.
4. هوشمند و پیش‌گیرانه: با استفاده از فناوری و داده‌کاوی می‌توان الگوهای مالی پرخطر را شناسایی و قبل از وقوع فاجعه، مداخلات حمایتی ملایم (مانند هشدار، مشاوره) را ارائه کرد.

5. مبتنی بر مشارکت: خود فرد، خانواده، جامعه مدنی و نهادهای تخصصی باید در فرآیند حمایت نقش داشته باشند. نهادهای داوری اجتماعی یا کمیته‌های اخلاق محلی می‌توانند در شناسایی و مداخله اولیه مفید باشند.

پیشنهاد نهایی برای گام بعدی: تشکیل یک «کارگروه ملی بازنگری در نهاد حجر و حمایت از تصمیم‌گیری مالی» متشکل از فقهای تمام مذاهب اسلامی، حقوقدانان، قضات، روان‌شناسان، اقتصاددانان، مددکاران اجتماعی و نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌های فعال در حوزه سالمندان و توانمندسازی) است. مأموریت این کارگروه، تدوین «لایحه جامع حمایت از افراد دارای اختلال در تصمیم‌گیری مالی» خواهد بود که جایگزین مواد پراکنده فعلی شود. این لایحه می‌تواند با الهام از بهترین‌های فقه تطبیقی و حقوق مدرن، نظامی عادلانه، کارآمد و انسانی را پایه‌گذاری کند که هم‌زمان موجبات فقهی، حقوق بشری و ضرورت‌های اجتماعی ایران معاصر را در نظر بگیرد.

فهرست منابع

• قرآن کریم

ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بیتا). المغنی. بیروت: دار الکتب العربی.

• انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

• جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۲۳ق). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دار الکتب العلمیه.

• حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۹۲). مبانی حقوقی اهلیت در معاملات. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

• خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). مصباح الفقاهة. قم: مکتبه‌الداوری.

• صفایی، سید حسین. (۱۳۹۸). دوره مقدماتی حقوق مدنی (اشخاص و اموال). تهران: نشر میزان.

• طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.

• طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تحقیق: سید احمد حسینی. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

• کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار.

• محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: اسماعیلیان.

• نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۳). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

• نووی، یحیی بن شرف. (بی‌تا). روضة الطالبین وعمدة المفتین. بیروت: المكتب الإسلامی.

• Al-Kāsānī, Abū Bakr ibn Mas‘ūd. (1406 AH). Badā’i‘ al-Ṣanā’i‘ fī Tartīb al-Sharā’i‘. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah.

• Ibn Qayyim al-Jawzīyah, Muḥammad ibn Abī Bakr. (1411 AH). al-Ṭuruq al-Ḥukmīyah. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Il